

پر پرواز

موضوع: قدرت اختیار و انتخاب در انسان

لینه: (انسان، ۳)

﴿إِنَّا هَدَيْنَاكُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ [۱] إِنَّمَا شَاكِرُوا عَلَىٰ مَا كَفُورُوا [۲]﴾

ترجمه: ما راه را به او نشان دادیم، یا سپاس‌گزار خواهد بود و یا ناسپاس.

* **شادیتگی:** هدینه: او را هدایت کردیم، راه را به او نشان دادیم (هدایت تشریعی) / السبیل: راه (دین‌الله) / شاکر: سپاس‌گزار (انسان متدين) / کفور: ناسپاس (رهاکننده دین)

* **ریز موضوع:**

← هدایت‌گری پروردگار [۱]

← اختیار انسان در سپاس‌گزاری و یا ناسپاسی [۲]

* **علت و معلول:** خداوند ما را صاحب اراده و اختیار آفرید و مسئول سرنوشت خویش قرار داد و سپس راه رستگاری و شقاوت را به ما نشان داد (علت) تا خود راه رستگاری را برگزینیم و از شقاوت دوری کنیم. (معلول) [متن کتاب]

* **دریاری:** همه انسان‌ها

* **پیامدها:** ① این آیه بیانگر وجود قدرت اراده و اختیار و در نتیجه انتخاب در انسان است، که از سرمایه‌ها و عوامل رشد آدمی می‌باشد. [اما شاکر و اما کفور] ② خداوند ما را صاحب اراده و اختیار آفرید (← اختیار امری فطری در انسان) و مسئول سرنوشت خویش قرار داد، سپس راه رستگاری (← سعادت، دینداری و خوشبختی) و راه شقاوت (← بدبختی و کفران نعمت) را به ما نشان داد (← هدایت نمود) تا خود راه رستگاری را برگزینیم و از شقاوت دوری کنیم. [متن کتاب] ③ قدرت اراده و اختیار به آن معناست که هر کسی باید عاقبت کارهای خود را عهده‌دار شود. [اما شاکر و اما کفور] ④ خداوند تبارک و تعالی به همه انسان‌ها راه حق و باطل را نشان می‌دهد و این انسان‌ها هستند که یکی از این دو راه را برمی‌گزینند. [اما شاکر و اما کفور] ⑤ شایسته است که انسان در برابر نعمت هدایت، سپاس‌گزار باشد که البته می‌تواند با اختیار خود آن را نپذیرد و ناسپاس باشد.



[اما شاکرَا و اما کفورَا] ۶ هر کس شاکر نباشد، کفور است و راه دیگری وجود ندارد. [اما شاکرَا و اما کفورَا] ۷ پیمودن راه دین، شکران نعمت الهی و سرپیچی از آن کفران به نعمت‌های خداوند می‌باشد. [اما شاکرَا و اما کفورَا] ۸ خداوند در این آیه حجت را بر انسان تمام کرده است، چرا که می‌فرماید «ما، راه را به انسان نشان دادیم» (← هدایت تشریعی) [انا هدیناه السبیل] ۹ نعمت‌دهی خداوند (هدایت) مقدم بر آزمایش اوست. [انا هدیناه ... کفورَا]

گواهِ فلسفه نبوت نشان دادن راه به انسان است و شکرگزاری یا کفران به وسیله قدرت اختیار انسان صورت می‌گیرد. (ریاضی ۹۴) ۱۰ خداوند متعال ما را مسئول سرنوشت خودمان قرار داده است. (انسانی ۹۲) ۱۱ رقم زدن یکی از دو راه شقاوت و سعادت برخاسته از اختیار انسان است. (فنی و هرفه‌ای ۱۱) ۱۲ خداوند راه رسیدن به خوبیختی را به انسان نشان داده است تا خود آن را بشناسد و با اراده خود آن را برگزیند. (فنی و هرفه‌ای ۱۸)

روش برداشته ۱ با توجه به این که کلمه «سبیل» مفرد است، بنابراین برداشت می‌شود که راه درست، یکی بیش نیست. [هدیناه السبیل] ۱۳ از آن جاکه خداوند به جای آن که بفرماید «اما کافرَا»، فرموده است «اما کفورَا» بنابراین، این طور برداشت می‌شود که کسی که هدایت الهی را پنذیرد و در پاسخ انبیا بگوید «خیر»، بالاترین مرحله از کفر را مرتکب شده است.

ارتباطه این آیه با آیه **(رسلاً مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ ...)** دارای ارتباط معنایی می‌باشد چرا که ۱ هر دو به هدایت تشریعی (ویژه) انسان توسط انبیا اشاره دارند [رسلا مبشرین و منذرین] و ۲ در هر دو آیه به این نکته اشاره شده است که خداوند حجت را بر انسان تمام کرده است. **(لَئِن يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حِجَةٌ بَعْدَ الرِّسْلِ)** (درس ۱ پایه ۱۱)

نکته ترکیبیه ۱ اشاره به هدایت تشریعی انسان توسط پیامبران که انسان می‌تواند با انتخاب خود آن را برگزیند و یا رد کند. (درس ۱ پایه ۱۱) ۲ اشاره به سومین نیاز برتر انسان یعنی «کشف راه درستی زندگی» که دغدغه‌ای جدی برای انسان‌های فکور و خردمند است. (درس ۱ پایه ۱۱) ۳ اشاره به زیان‌کاران همیشگی [إِنَّ إِلَيْسَانَ لَئِنِي خُشْرُ] که همان ناسپاسان [کَفُورَا] می‌باشند. (درس ۱ پایه ۱۱) ۴ مؤید توحید در روایت [هَدَيْنَاهُ] (درس ۲ پایه ۱۱) ۵ مؤید توحید در عمل و عبادت [شاکرَا] (درس ۳ پایه ۱۱) ۶ اشاره به اختیار انسان که از تقدیرات الهی است یعنی از ویژگی‌های آدمی است (درس ۵ پایه ۱۱) ۷ اشاره به سنت امداد عام الهی [هَدَيْنَاهُ] (درس ۶ پایه ۱۱)

لایه: «شمس، ۷ و ۸» **موضوع:** گرایش به خیر و نیکی و بیزاری از بدی

﴿وَنَفْسٌ وَّمَا سَوَّاها﴾ [۱] **فَالَّهُمَّهَا فَجُورُهَا وَ تَقْوَاهَا﴾ [۲]**

ترجمه: سوگند به نفس و آن که سامانش بخشید آن گاه بدکاری و تقواش را به او الهام کرد.

شاهکاری: سوآها: آن را سامان بخشید / فجور: بدکاری
ریز موضوع:

[۱] ← سوگند یاد کردن خداوند به نفس

[۲] ← الهام بدکاری و نیکوکاری به نفس آدمی

حلقه مجاز: شمره و بازتاب گرایش به خیر و نیکی و بیزاری از رشتی و بدی **[فالله‌مها فجورها و تقواها]**، مورد سرزنش واقع شدن انسان توسط نفس لواحه هنگام ارتکاب گناهان می‌باشد.

پیامدها: ① گرایش به خیر و نیکی و بیزاری از بدی، از سرمایه‌ها و عوامل رشد آدمی می‌باشد. ② خدای متعال شناخت خیر و نیکی و گرایش به آن (← خود عالی) و شناخت بدی و رشتی و بیزاری (← برائت) از آن (← خود دانی) را در ما قرارداد

تا به خیر و نیکی رو آوریم و از گناه و رشتی بپرهیزیم. [متن کتاب] ③ قسم یاد کردن خداوند به نفس انسان (← خود عالی) نشان‌گر عظمت مرتبه و جایگاه آن است.

[وَنَفْسٌ] ④ خواسته‌ها و تمایلات و غرایز انسان به طور حکیمانه تعديل شده است.

[وَنَفْسٌ وَّمَا سَوَّاها] ⑤ فهم و درک خوبی‌ها و رشتی‌ها به طور فطري، در روح و نفس انسان‌ها نهادينه شده است. **[فَالَّهُمَّهَا فَجُورُهَا وَ تَقْوَاهَا]** ⑥ خداوند مرحله اول رسيدن به مقام تqua را در وجود همه آدميان بنا نهاده است. [وَ تَقْوَاهَا] ⑦ فوب دقت کنین!!!

توى اين آيه منظور از «نفس» فور و پور آدميه، اما توى آيه بعد، منظور از نفس، و پرانه.

روش برداشت: در آيات قرآن کریم هرگاه حرف «فَ» به معنای «پس» بباید، عبارت قبل از آن را «مقدم» و عبارت بعد از آن را «مؤخر» می‌نامیم و بنابراین در این آیه چنین برداشت می‌شود که سامان بخشی نفس بر الهام بدکاری و نیکوکاری به آن، مقدم است.



- ۱. گناه:** فهم زیبایی و زشتی‌ها و رفتن به سوی هر کدام (فاجع از کشور ۱۷)
- ۲.** خداوند انسان را به گونه‌ای آفرید که بتواند زیبایی‌ها و زشتی‌ها را درک کند و آن‌گاه که به سوی زیبایی‌ها روی آورد، در درون خود احساس خرسنده نماید و اگر به سوی بدی‌ها و زشتی‌ها رهسپار شود، ملامت‌گر خویش باشد. (انسانی ۱۶)
- ۳.** دوست داشتن فضائلی چون صداقت، کرامت، عزت نفس و عدالت و بیزاری از دو رویی، حقارت نفس، ریا و ظلم، نشأت‌گرفته از توجه در پیام همین آیه می‌باشد. (زبان ۹۳ و انسانی ۹۱ و زبان ۹۰) **۴.** با توجه به عبارت «فجورها و تقواه‌ها»، انسان با قوّة انتخاب و اختیار خود، می‌تواند بهترین راه را برگزیند. (انسانی ۹۷)
- ۵. نکته ترکیبی:** به تمایلات پست و دنیوی انسان، خود دانی و به تمایلات برتر، متعالی و معنوی آدمی، خود عالی نیز گفته می‌شود. (درس ۱۰ پایه ۱۱)

﴿
آیه:
﴿ قیامت، ۲ ﴾
﴿
﴿ وَ لَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ الْوَأْمَةِ ﴾
﴿
﴿ ترجمه: و سوگند می خورم به نفس سرزنش‌کننده ﴾
﴿

۶. شاهزادیه: لواحه: سرزنش‌کننده / لا^اقیسم: قسم می‌خورم (حرف «لا» در این فعل برای تأکید بیش‌تر آورده شده است).

﴿ ریز موضوع ﴾

سوگند یاد کردن خداوند به نفس سرزنش‌گر

- ۷. علت و معلول:** مورد سرزنش واقع شدن انسان توسط نفس لواحه به هنگام ارتکاب گناه، ثمرة (معلول) گرایش انسان به خیر و نیکی و بیزاری (نه دوری!!!! آدمی از بدی می‌باشد.)
- ۸. پیام‌ها:** **۱.** نفس لواحه و یا وجودان اخلاقی از سرمایه‌های آدمی است که موجب رشد انسان می‌شود. **۲.** نفس ملامت‌گر درونی انسان از چنان جایگاهی برخوردار است که خداوند به آن سوگند یاد کرده است. **[و لا اقسم بالنفس]**
- ۹.** گرایش انسان به خیر و نیکی سبب می‌شود که آن‌گاه که انسان به گناه آلوده شد، خود را سرزنش و ملامت کند. **[بالنفس اللواحة]**

گواهی ۱ نفسی که انسان را در برابر گناه سرزنش می‌کند، نفس لوامه نام دارد.
(انسانی ۱) عکس العمل نشان دادن انسان در برابر گناه و رشتی برخاسته از وجودان اخلاقی و نفس ملامتگر است. **(رباضی ۱۹)** آن مرتبه از نفس که به دلیل عظمت و جایگاهش مورد سوگند باری تعالیٰ قرار گرفته است، نفس «لوامه» است که ظهور و بروزش به هنگام آلودگی به گناهان است و مسبب آن گرایش انسان به نیکی‌ها می‌باشد. **(تبریز ۱۹)**

نتیجه نفس لوامه مرتبه‌ای عالی از نفس انسان است که آدمی را از گناه بر کنار می‌دارد و بنابراین به آن، خود عالی نیز اطلاق می‌گردد. **(درس ۱۰ پایه ۱۱)**

موضوع: نفس امّاره

حکیم: [امام علی علیه السلام]

«دشمن ترین دشمن تو همان نفسی است که در درون توست.»

شاهزاده: دشمن ترین، نفس، درون

ریز موضوع:

دشمن اصلی انسان، نفس امّاره

ظاهر: همه انسان‌ها

بساطه ۱ خداوند به ما یادآوری می‌کند که عاملی درونی (نفس امّاره) انسان‌ها را برای رسیدن به لذت‌های زودگذر دنیاگیری به گناه دعوت می‌کند و از پیروی از عقل و وجودان باز می‌دارد. این عامل درونی، همان است که حضرت علی علیه السلام درباره‌اش حدیث بالا را فرموده است. **۲** نفسی که در حدیث آمده است، نفس بسیار امرکننده به بدی است که به آن امّاره می‌گویند و از جمله عوامل سقوط و گناه و دور ماندن از هدف می‌باشد. **۳** علت آن که امام علی علیه السلام این نفس را دشمن اصلی انسان معرفی نموده است، آن است که عاملی درونی است و به طور کامل محسوس و مشهود نیست.

گواهی قرآن کریم و روایات اسلامی تأکید دارند که عامل اصلی گناه، خود انسان است؛ چون کسانی که دعوت شیطان را پذیرفتند، خودشان به او اجازه وسوسه دادند.

(جامع علمی کاربردی ۱۶)

نتیجه میل سرکشی که در درون انسان طغیان می‌کند و وی را به گناه دعوت می‌نماید «نفس امّاره» است که همان خود دانی می‌باشد. **(درس ۱۰ پایه ۱۱)**



آیه: (ابراهیم، ۲۲) **موضوع:** سخنان شیطان خطاب به دوزخیان در روز قیامت

شیطان در روز قیامت که فرصتی برای توبه باقی نمانده است، خطاب به اهل جهنم می‌گوید:

«خداوند به شما وعده حق داد؛ [۱] اما من به شما وعده‌ای دادم و خلاف آن عمل کردم. [۲] البته من بر شما تسلطی نداشتم؛ [۳] فقط شما را به گناه دعوت کردم. این خودتان بودید که دعوت مرا پذیرفتید. [۴] امروز خود را سرزنش کنید نه مرا، [۵] نه من می‌توانم به شما کمکی کنم و نه شما می‌توانید مرا نجات دهید. [۶]»

شاه کایه: تسلطی نداشتم / دعوت کردم / دعوت مرا پذیرفتید / خود را سرزنش کنید

ریز موضوع

[۱] ← وعده‌های خداوند، همیشه حق و اجرا یافتنی است.

[۲] ← شیطان موجودی خالف وعده

[۳] ← شیطان قادر تسلط بر انسان

[۴] ← بهره‌مندی انسان از اختیار در دنیا

[۵] ← فرمانبداران امر شیطان، شایسته سرزنش

[۶] ← عدم سودرسانی شیطان و انسان به یکدیگر در روز قیامت

علت و معلول: «مورد ملامت قرار گرفتن انسان توسط شیطان در روز قیامت» معلول پذیرش دعوت شیطان در دنیا می‌باشد.

***خطاب:** دوزخیان

***طرف تحقق:** جهنم (دوزخ) ابدی

***درباره...** پذیرندگان دعوت شیطان در دنیا

***پیام‌ها:** ① وعده الهی حق و مطابق با واقعیت است. [خداوند به شما وعده حق داد] ② فریب انسان توسط شیطان از راه سوسوه‌های شیطانی است. [فقط شما را به گناه دعوت کردم]. ③ حتی شیطان نیز انسان فاسد را ملامت می‌کند. [امروز خود را سرزنش کنید]. ④ در قیامت روابط میان انسان‌ها با شیطان قطع می‌شود. [نه من می‌توانم به شما کمکی کنم ...]

❸ انسان در پذیرش دعوت خدا و شیطان در دنیا مختار است و شیطان بر او تسلطی ندارد. [من بر شما تسلطی نداشتم]. **❹** دارای اختیار بودن آدمی در دنیا سبب می‌شود تا انسان خطاکار در قیامت خود را ملامت کند چراکه اگر اختیار نداشت و مجبور بود، جای هیچ‌گونه ملاحتی هم نبود. [امروز خود را سرزنش کنید...]. **❺** وسوسه کردن و فریب دادن تنها راه نفوذ شیطان در ماست. [فقط شما را به گناه دعوت کردم].

❻ **گواه** احتجاج شیطان با گناه‌کاران در روز قیامت برای بیان مقص نبودنش و عدم تسلط او بر انسان در دنیا می‌باشد. (**رباعی ۹۶**)

❼ ارتباط **❻** این بخش از این آیه که می‌فرماید «این خودتان بودید ...» با آیه «انا هديناه السبيل ...» ارتباط معنایی دارند چراکه هر دو به مختار بودن آدمی در دنیا اشاره دارند. (**همین درس**) **❼** دوزخیان در روز قیامت به دنبال هر راهی هستند تا از خود سلب مسئولیت کنند و در واقع گناه خود را به گردن دیگری بیندازند و از همین رو هر دستاویزی را مطرح می‌کنند تا بلکه از مخمصه نجات پیدا کنند که این مورد هم در این آیه و هم در آیه **﴿وَقَالُوا لِجَلُودِهِمْ لَمْ شَهَدْتُمْ﴾** مطرح گشته است و بنابراین این دو آیه به لحاظ مفهومی ارتباط دارند. (**+++ پایه ۶ درس ۶ پایه ۱۰**)

❽ نکات ترکیبی ظرف تحقق این آیه در روز قیامت و در جهنم اخروی (← نه بزرخی) می‌باشد. (**+++ درس ۶ پایه ۱۰**)

موضوع: علت طرد شدن شیطان

حدیث: [رسول خدا ﷺ]

«خداؤند به چنین انسان‌هایی (آن‌هایی که در برابر خدا سجده نمی‌کنند و حلقه بندگی شیطان را به گردن می‌آویزنند) خطاب می‌کنند: من به خاطر تو شیطان را طرد کردم؛ [۱] اما تو او را دوست خود گرفتی و به اطاعت او درآمدی؟! [۲]»

❾ شاهکار طرد کردم / او را دوست خود گرفتی / به اطاعت او درآمدی

✿ ریز موضوع:

[۱] ← دلیل اصلی طرد شیطان توسط خداوند

[۲] ← بی‌وفایی برخی آدمیان در برابر خداوند



✿ **خطابه** برخی آدمیانی که در برابر خداوند سجده نمی‌کنند و حلقه‌بندگی شیطان را به گردن می‌آویزند.

✿ **پیام‌هه** ① سرباز زدن از فرمان‌های الهی نشان از بی‌وفایی، انسان به خدایی است که شیطان را برای او طرد کرده. ② این حدیث نشانگر کرامت و منزلت و نیز حاکی از قرب وجودی انسان نزد خدا می‌باشد. ③ خداوند علت طرد شیطان را، انسان‌ها بیان نموده است. اما شگفتگی همین انسان گاهی حلقه‌بندگی شیطان را به گردن می‌آویزد.

✿ **ارتباطه** ① این حدیث با آیه **(انا هدینه السبیل ...)** از آن جا که هر دو به دسته‌ای از آدم‌ها که بی‌وفا هستند و ناسپاس (کفوراً)، اشاره دارند، ارتباط معنایی دارد. ② این حدیث همچنین با این سخن امام صادق ع که می‌فرماید «ما احباب الله من عصمه» ارتباط معنایی دارد چرا که هر دو بیان می‌دارند که انسان‌هایی که مطیع امر شیطان می‌شوند و از فرمان خدا سرپیچی می‌کنند، نسبت به خداوند محبت ندارند. (درس ۹ پایه ۱۰)

✿ **نکته ترجیحی** اشاره به شرک عملی (درس ۳ پایه ۱۲)

موضوع: شکست شیطان

حدیث [امام عصر (ع)]

«هیچ چیز مانند نماز بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد.»

✿ **شاهکاره** نماز، بینی شیطان

✿ **ریز موضوع**

نماز، اصلی‌ترین عامل شکست شیطان

✿ **علت و مسئله** علت به شکست درآوردن شیطان، اقامه نماز (اقم الصلاة) می‌باشد.

✿ **پیام‌هه** ① اصلی‌ترین عامل به شکست درآوردن دشمن بیرونی انسان، نماز است. ② نماز، بازدارنده انسان از انجام گناهان و اطاعت از شیطان می‌باشد. ③ رکوع و سجود در برابر خداوند (← نماز خواندن) راه حل درمان بی‌وفایی نسبت به خداوند می‌باشد.

✿ **ارتباطه** این حدیث با آیه **(و اقم الصلاة ...)** دارای قرابت معنایی می‌باشد. چرا که هر دو به فایده‌های نماز اشاره دارند و البته مهم‌ترین فایده نماز خواندن، یاد خداست (الذکر الله اکبر) که در برابر غفلت از یاد خدا که همان اطاعت از شیطان است، ایستادگی می‌کند. (درس ۱۰ پایه ۱۰)

✿ **نکته ترجیحی** اقامه نماز، از مصادیق توحید در عبادت و عمل می‌باشد. (درس ۳ پایه ۱۲)